

ماجرای يك سفر ۲۱ روزه به استرالیا

# مارکوپولوهای جدید در سرزمین کوآلاها!



را مهمان مقصدی دیگر باشند. علاوه بر توصیفات دقیق راوی کتاب از دیدنی‌های این سفر که می‌تواند تصویری شفاف از جاذبه‌های گردشگری استرالیا برای مخاطبان این اثر ترسیم کند، بیش از ۷۰ عکس از بخش‌های مختلف این سفر در کتاب آمده است که می‌تواند شما را با کشور استرالیا آشنا کند.

هرچند استرالیا هم به واسطه هزینه بالای سفر به آن و هم به واسطه دوری زیادش از ایران معمولاً کمتر به عنوان گزینه‌ای برای سفر توریستی برای ایرانیان در نظر گرفته می‌شود، اما اگر روزی قصد سفر به این سرزمین گرانبه‌ای را داشتید، حتماً سری به پیوسته‌های این کتاب نیز بزنید تا از صفر تا صد چگونگی فراهم کردن مقدمات سفر به استرالیا آگاه شوید.

«سمیه» و «امین» هستند که از جمله صاحبان نگاه دوم به امر سفر هستند. زوجی که خاطرات سفر خود به کشور استرالیا را در قالب کتاب «مارکوسمین در استرالیا» منتشر کرده‌اند.

لحن کتاب به شدت ساده و صمیمی است که می‌توان آن را بیشتر یک نوع خاطره‌نویسی به حساب آورد. البته یک خاطره‌نویسی تمیز و پرنکته از حضور در سرزمینی که نه فقط به لحاظ جغرافیایی بلکه به لحاظ آداب و رسوم فرهنگی نیز تفاوت بسیاری با راوی و خوانندگان اثر دارد. نویسنده در این کتاب راوی سفر ۲۱ روزه خود و همسرش به سه شهر سیدنی، گلدکوست و ملبورن استرالیاست. البته آنها در مسیر سفر خود، ابتدا سری هم به مالتزی می‌زنند تا در یک توفیق اجباری چند روزی

## احسان سالمی

روزنامه‌نگار

سفر رفتن هر چقدر برای بخشی از مردم یک امر غیر ضروری و شیک است، برای برخی از آدم‌ها مثل «هوا» برای تنفس است؛ هر چند که در این شرایط اقتصادی اصولاً نمی‌توان به دارندگان طرز تفکر اول ایراد گرفت، اما طبیعتاً برای ما که به دنبال تعریف کردن تجربه‌های جذاب سفرهای آدم‌های مختلف برای شما هستیم، دنبال کردن گروه دوم جذاب‌تر است. «مارکوسمین» زوج جوانی به نام

## اطلاعات فوری

عنوان: مارکوسمین در استرالیا

نویسنده: سمیه گلریز

ناشر: روزنه

تعداد صفحات: ۲۸۵

قیمت: ۲۹ هزار تومان

پیش‌بینی زمان مطالعه: ۷ تا ۹ روز

مشکلاتی که در همه جای دنیا وجود دارد

## وقتی کسی غر نزد



شاید برای مردمی که همواره عادت به مقایسه خود با جوامع غربی دارند، خواندن خاطراتی از وقوع اشتباهاتی مشابه در این جوامع که در چشم آنها «آرامش‌هر» هستند، خالی از لطف نباشد. مارکوسمین یکی از خاطرات را این گونه نقل می‌کند: «شاید اگر آن ۵۰ درصد تخفیف را نداشتیم، بالا رفتن از برج سیدنی را در برنامه قرار نمی‌دادیم. قیمت هر بلیت با تخفیف ده دلار

می‌شود. دو بلیت جدید و عینکی کاغذی که مخصوص دیدن فیلم سه‌بعدی است را تحویل می‌گیریم. قبل از رفتن به نوک، نوبت سینمای سه‌بعدی است. فیلم که شروع می‌شود در هر صحنه منتظر جسمی هستیم که از صفحه نمایش بیرون بزند و ما به نزدیک شود. ولی تا پایان فیلم خبری از بیرون زدن و نزدیک شدن نیست. مسؤول سالن می‌گوید: «متأسفانه امروز به دلیل مشکلات فنی امکان پخش فیلم به صورت سه‌بعدی نبوده و عذرخواهی می‌کنیم.» مطمئناً اگر این اتفاق در تهران رخ می‌داد، همگی کلی غر می‌زدند «ای بابا عجب مملکتی است! اصلاً آقا، خانم اینجا جای زندگی نیست، باید رفت از این مملکت!» به هر حال اینجا کسی غر نزد، شاید هم زده و ما نشنیدیم.»

ماجرای سؤال‌های عجیب از مسافران استرالیا

## حساسیت استرالیایی‌ها به سیگار و آجیل!

یکی از جالب‌ترین نکات در ارتباط با سفر به استرالیا سختگیری مسؤولان این کشور در زمینه ورود انواع محصولات خوراکی به کشورشان است؛ موضوعی که راوی «مارکوسمین در استرالیا» آن را این گونه توصیف می‌کند: «در هواپیما لازم است فرمی را پر کنیم؛ فرمی با نوشته‌های بسیار ریز که با چشمان خسته و خواب‌آلود از یک پرواز هشت ساعته، خواندنشان کمی سخت است. علاوه بر موارد تکراری، سؤال‌های جذابی هم وجود دارد که با خواندنشان خواب از سرمان می‌پرد. مثلاً باید بگوییم آیا آجیل با خود داریم یا خیر؟ خب مشخص است که داریم. ما حتی سبزه‌دهبر که تا پارک سرکوچه می‌رویم هم آجیل داریم! همچنین باید تعداد نخ سیگاری که داریم نیز اعلام کنیم. همسر آن دختری که پدرش برایش آجیل فرستاده تا به دستش برسانیم، گاهی سیگار می‌کشد و از ما خواسته سیگار مورد علاقه‌اش را که در استرالیا نایاب و گران است، با خود از تهران بیاوریم. علاوه بر آن گفته با وجود آن که تعداد سیگار مجاز همراه هر نفر ۵۰ نخ است، بیشتر بیاوریم و چنانچه هنگام ورود به استرالیا اجازه‌اش صادر نشد، تعداد نخ‌های مازاد را دور بریزیم. به همین دلیل ۲۴۰ نخ سیگار همراه داریم و در فرم هم همین مقدار را می‌نویسیم!»



تنبل‌ترین حیوان جهان در استرالیا

## تماشای رایگان کوآلا در خیابان‌های ملبورن!



کوآلا و کانگورو از جمله حیواناتی هستند که بیشتر در محدوده استرالیا زندگی می‌کنند. مواجبه با این موجودات منحصر به فرد هم در نوع خودش جالب است: «در میان تاریکی و سکوت شب، جانوری به اندازه یک گربه، با نزدیک شدن ما به سرعت از درخت بالا رفت. فریاد می‌کشیم: «بدو بدو، دوربین رو بده، کوآلا، کوآلا.» این جانور روزانه بیش از ۱۸ ساعت می‌خوابد. سارا و محسن و شاید خیلی کسان دیگر که مدت‌هاست در ملبورن زندگی کرده‌اند موفق به دیدن کوآلا به صورت رایگان در خیابان نشده‌اند. بعد از شام ماجرای دیدن

کوآلای سرکوچه را تعریف می‌کنم. تا می‌روم عکس‌ها را برای نشان دادن بیاورم، سارا و محسن با گفتن این جمله آب یخی روی سرمان می‌ریزند: «هرشب می‌بینیم‌شان، آنها پاسم هستند نه کوآلا!»